

## ترجمه در اسرع وقت

در صدد انکار جایگاه بسیاری از فعالان عرصه ترجمه نیستم ولی آنچه می‌گوییم مبتنی بر مشاهداتم است. مشاهداتی که بر اثر حضور مستمر در این زمینه کسب شده است. اگر از بسیاری از آثار مهم ادبیات جهان گذر کنیم که نامهای مهمی آنها را ترجمه کرده‌اند. در چند شماره قبل برخی از این اسمای را معرفی کردیم. آثار نویسنده‌گان درجه‌دو یا کمتر مطرح غربی توسعه متوجهانی به فارسی برگردانده شده که برخی از آنها حتی دایره و از گان گسترشده‌ای ندارند و در انتخاب کلمات درمانده می‌شوند. البته قبل از این که بخواهم وارد این مبحث شوم باید اشاره کنم که «ناشران نقاب دار» حتی سراغ شاهکارهای ادبیات کلاسیک جهان هم رفت‌اند و کارهای مهمی نظری «جنگ و صلح» یا «برادران کاراما佐ف» را نیز در سیاهه فعالیت‌های ایشان دارند و چه کسی است که دلش نخواهد شاهکار داستایوفسکی رانخواند و طبق یک قاعده‌کلی رسیدن به جنس تقلیل در بازار ایران راحت تراز رسیدن به جنس اصل است.

شتاب‌زدگی در ترجمه و انتشار آثار در بازار کتاب ایران به قدری بالاست که گاهی مخاطب را انتخاب پشیمان می‌کند. حال بگذریم که سرانه مطالعه در ایران زیر ۱۵ دقیقه است و با در نظر گرفتن این مساله این میزان عجله و شتاب‌زدگی در رساندن یک اثر به ویرین کتاب‌فروشی‌ها معنا ندارد.

سال ۲۰۱۶ ترجمه رمان برگزیده پولیتزر همان سال به دستم رسید و خوب و سوشه شدم باز کنم و بخوانم. از نام مترجم بگذرم که باید گفت هیچ اسم و رسمی نداشت که حتی اگر داشت هم قابل دفاع نبود. متن آشفته و سراسر ایراد از نظر دستور زبان فارسی سبب شد با وجود علاقه‌ام به خواندن ترجیح دادم کتاب را بیندم و کنار بگذازم تا این‌که بخواهم با ترجمه دست و پنجه نرم کنم. تجربه‌ای که با گذشت چند سال هنوز از ذهنم پاک نشده است، حتی همین اوخر نیز تجربه دیگر در همین زمینه داشتم که کاملاً آشکار بود مترجم در حکم زبان‌گردان ظاهر شده و ردی از ترجمه اثر و ایجاد رابطه نزدیک ذهنی و زبانی بین مخاطب و نویسنده آن دیده نمی‌شد و حتی خواننده‌ای که برای اولین بار از آن نویسنده داستانی می‌خواند متوجه می‌شد که نویسنده در انتخاب کلمات هم نتوانسته موفق ظاهر شود. در این بنین ناشر به اعتمادی که مخاطب به او اعتبارش کرده فکر نمی‌کند و بمحابا ترجمه‌های بی‌کیفیت را روانه بازار می‌کند.

## آئه‌ی مفقودی

دفترچه و کالت شماره ۲۶۰۶۹ متعلق به این جنب مائده به نام پیور و کیل پایه یک دادگستری فرزند الیاس دارای کد ملی ۱۲۸۵۱۳۰۱۴۶ به شماره بروانه ۲۶۰۶۷ در تاریخ ۹۸/۰۷/۲۴ به همراه مهر شخصی و همنیون برابر با اصل و تعدادی سربرگ متعلق به این جنب سرفقت گردیده است.

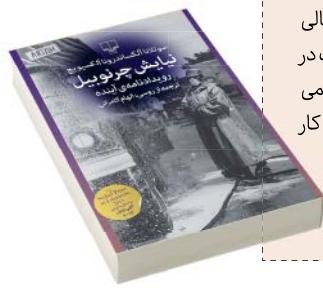
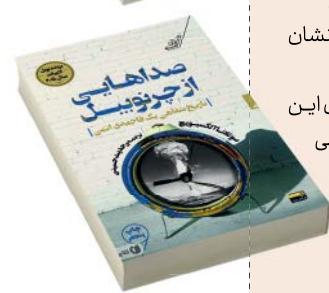
ترجمه فروشی یکی از راه‌های راحت برای ناشر شدن است، این ماجرا بسیاری را به این مسیر کشانده که از طریق انتشار ترجمه یک اثر، بخشی از توجه مخاطب را به سمت خود جلب کند

# ترجمه بازار!

حسام آبنوس  
روزنامه‌نگار

یک ماه پیش رسانه‌ها از انتشار ترجمه یک رمان روسی خبر دادند و به دنبال آن فروشگاه‌های اینترنتی کتاب نیز فروش ویژه‌ای برایش قرار دادند تا این طور مخاطبان را دعوت به خرید کتاب کنند. رمانی از یک نویسنده اهل روسیه که برحسب ظاهر در زمان خودش قدر نمی‌باشد، ولی این اثرش به عنوان یکی از آثار برجسته قرن بیستم معرفی شده است. هنوز کتاب به خوبی توزیع نشده بود که از یکی از دوستان کتاب‌فروشم شنیدم ترجمه دیگری از این رمان چند روز دیگر رونمایی خواهد شد اول باور نشده، ولی وقتی در پایگاه اطلاع‌رسانی ناشر جست و جود کدم خبر دوست کتاب‌فروشم درست بود و همین روزها ترجمه دیگری از این کتاب توسط ناشر ثانی ارمنایی شود. کاری به این نارم که چرا یک اثر سال‌های دار محقق بوده و ناگهان به صورت همزمان و در فاصله کمتر از یک ماه در ترجمه از آن راهی ویترین کتاب‌فروشی‌ها شده که می‌تواند پیام‌های خاصی در خود داشته باشد که مجال رمزگشایی از آنها در این مقاله نیست، ولی یک سوال مطرح است که تکلیف مخاطب در این آشفته باز اثراً ترجمه‌ای چیست و چه کسی باید به این سوال پاسخ در خور بدهد! نمونه‌ای که بالاتر به آن اشاره کردم یک مورد دم دستی و نزدیک بود و گزنه تا لتن بخواهد از این موارد می‌توان نام برد که اگر همراه این گزارش باشد برخی نمونه‌های را بهم مرور خواهیم کرد و یکی دو پیشنهاد برای جلوگیری از سردرگمی در این آشفته بازار دیده کردایم.

## کدام ترجمه؟



با عنوان زمزمه‌های چرنوبیل روانه بازار کتاب شد.

شهرام همت‌زاده، مدیر گروه زبان روسی دانشگاه شهری بهشتی و مترجم زمزمه‌های چرنوبیل که آن را از روسی به فارسی بازگردانده می‌گوید: «پیش از این، دو ترجمه دیگر نیز از این کتاب روانه بازار شده بود و هر دوی آنها را دیده بودم که بخشی از آنها از ای اشتباها ترجمه‌ای و بعض احذفیات بود که البته همیشه مقصو مترجم نیست، چون این کتاب هایک با ره ایکلیسی ترجمه شده و بعد به فارسی بازگردانده می‌شود ممکن است سبب این نواقص شود. مثلاً ترجمه عنوان کتاب از روسی می‌شود «دعای چرنوبیل» که به نوعی دعای مربوط به آن منطقه است، ولی در ترجمه انگلیسی ماراتنی که اغلب در آن خبری از دقت و تاحدوی رعایت امانت نیست، بلکه اول شدن و پیش و پیشین قارگفتگون مساله است. رمان «صد سال تنهایی» اثر مشهور گاریل گارسیا مارکز نویسنده برنده نوبل اهل کلمبیا تاکنون ده بار به فارسی ترجمه شده که این نشان می‌دهد اوضاع ترجمه در کشور به شدت آشفته است: در حالی که اگر با یک مارکز نویسنده برنده نوبل اهل کلمبیا تاکنون به زبان فارسی گرفته تا به دست مخاطب برسد و بتواند در نزدیکی ترین حالت به متن اصلی از خوانش آن بهره ببرد، همین جاید آوری کنم اخیراً با وجود این اثره بین زبان فارسی ترجمه دیگری از آن نیز بروزی کتاب‌فروشی‌ها شده که نشان می‌دهد این بازی تمامی ندارد. ولی نکه اینجاست که مخاطب خیلی در جریان این اتفاقات نیست و همین که می‌بیند روی جلد کتابی عبارت «برنده نوبل ادبیات» درج شده در غیر این می‌شود آن را تهیه کند ولی گاهی (نه همیشه) در ادامه این را بازی تمامی ندارد.

ولی اینجاست که اینجاست که مخاطب خیلی در جریان این اتفاقات نیست و همین که می‌بیند روی جلد کتابی عبارت «برنده نوبل ادبیات» درج شده در غیر این می‌شود آن را تهیه کند ولی گاهی (نه همیشه) در ادامه این را بازی ت تمامی ندارد.

هزینه اعتمادش را پرداخت می‌کند. با یک دقت در بازخوانی صاحب عنوان «ناشر» شده است در حالی که همه چیز همیشه «اول بودن» نیست، بلکه دقت در ترجمه و رعایت امانت در برگردان به فارسی مساله مهمی در ترجمه آثار غیر فارسی است که می‌تواند هم کیفیت کار را بالا ببرد و هم تجربه مثبتی در ذهن خواننده به جا بگذارد.